**باسمه تعالی**

[ثمرات نزاع در وجود وقت مختص 2](#_Toc469854719)

[فرع أول 2](#_Toc469854720)

[مناقشه 2](#_Toc469854721)

[جواب مرحوم حکیم 2](#_Toc469854722)

[تبیین لبّ جواب مرحوم حکیم 2](#_Toc469854723)

[اشکال به جواب مرحوم حکیم 3](#_Toc469854724)

[روایت أول 3](#_Toc469854725)

[روایت دوم 4](#_Toc469854726)

[روایت سوم 5](#_Toc469854727)

[روایت چهارم (صحیحه زراره) 5](#_Toc469854728)

[فرع دوم 8](#_Toc469854729)

[فرع سوم 9](#_Toc469854730)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نماز های یومیه /وقت مختص و مشترک/ ثمرات قول به وقت مختص

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

مشهور قائل به وقت مختصّ شده اند؛ بعد از أذان به اندازه چهار رکعت را مختص نماز ظهر و قبل از غروب آفتاب به اندازه چهار رکعت را مختص نماز عصر دانسته اند.

و غیر مشهور قائل اند؛ از هنگام اذان ظهر وقت نماز ظهر و عصر داخل می شود و تا غروب آفتاب وقت نماز ظهر و عصر باقی است، و تنها نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.

ما قبل از این که أدله طرفین را بررسی کنیم فروعی که به عنوان ثمره نزاع مطرح می شود را عرض می کردیم؛

## ثمرات نزاع در وجود وقت مختص

### فرع أول

اگر در وقت مختصّ به نماز ظهر، سهواً نماز عصر را بخواند؛ بنا بر قول مشهور نماز باطل است چون به وقت اخلال وارد کرده است که حدیث لاتعاد شامل آن نمی شود ولی بنا بر قول غیر مشهور تنها ترتیب را رعایت نکرده است که حدیث لاتعاد شامل آن می شود و نماز صحیح است.

#### مناقشه

عرض کردیم این ثمره درست است به شرطی که صحیحه زراره را قبول نکنیم که فرمود:إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ که برخی گفتند این صحیحه معرض عنه مشهور است ولی ما قبول نکردیم. و هر چند موضوع روایت، نسیان است ولی عرف خصوصیت برای آن قائل نیست خصوصاً با تعلیل «فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ»

##### جواب مرحوم حکیم

**مرحوم حکیم فرموده اند:** أدله عدول اطلاق ندارد و ناظر به وقت مشترک است. البته ایشان این مطلب را در جایی مطرح می کند که در أثناء نماز عصر ملتفت شود که هنوز نماز ظهر را نخوانده است و اتّفاقاً وقت مختص نماز ظهر است.

ایشان فرموده است؛ اگر قائل به وقت مشترک شدیم از عصر به ظهر عدول می کند و نماز صحیح است. و اگر قائل به وقت مختص شویم نماز باطل است، و أدله عدول، که مشهور هم در أثناء نماز به آن قائل اند و بعد از فراغ از نماز عدول را صحیح نمی دانند، مختص به وقت مشترک است و شامل وقت مختص نمی شود؛ زیرا ظاهر أدله عدولِ از نماز عصر به ظهر و از ظهر به عصر در أثناء نماز، که مشهور به آن قائل اند، برای جایی است که اگر ترتیب می بود نماز صحیح بود و تنها به جهت اخلال به شرطیّت ترتیب دچار مشکل شده ایم. و در صورتی که نماز عصر در وقت مختصِ نماز ظهر خوانده شده است علاوه بر شرطیت ترتیب، مشکل وقت هم دارد، لذا أخبار عدول شامل آن نمی شود.

##### تبیین لبّ جواب مرحوم حکیم (عدم اطلاق أدله عدول)

**اگر اشکال ایشان وارد باشد بازگشت آن به این است که**؛ أدله عدول اطلاق ندارد وگرنه اگرأخبار عدول اطلاق داشته باشد، شامل این نمازی که در وقت مختص خوانده ایم هم می شود؛ چه لزومی دارد مشکل این نماز تنها اخلال به شرطیّت ترتیب باشد. همین که این نماز می تواند تعبّداً ظهر صحیح باشد و غیر از عدم نیّت ظهر مشکل دیگری ندارد، روایت شامل آن هم می شود.

**نکته:** أخبار عدول با حدیث لاتعاد معارضه نمی کند زیرا؛ أخبار عدول اگر نسبت به نمازی که در وقت مختص خوانده شده است اطلاق داشته باشد بر حدیث لاتعاد حاکم است زیرا حدیث لاتعاد می گوید اخلال به وقت فریض جایز نیست و أخبار عدول می گوید این نمازی که در وقت مختص خواندی نماز ظهر است که در این صورت اخلالی به وقت صورت نگرفته است.

##### اشکال به جواب مرحوم حکیم (وجود اطلاق در أدله عدول)

انصافاً این اشکال در مورد صحیحه زراره وارد نیست و اگر این صحیحه زراره نبود بقیّه روایات اطلاق نداشت. و تنها دلیلی که شامل عدول از نماز عصر به ظهر می شود و اطلاق دارد و شامل صورتی که نماز عصر را در وقت مختص بخواند می شود، همین صحیحه زراره است.

ابتدا روایاتی که اطلاق ندارند را بیان می کنیم تا نکته اطلاق در صحیحه زراره هم مشخص شود؛

**نکته:** این روایات نسبت به عدول در أثناء نماز است و اطلاق نسبت به بعد از فراغ از نماز ندارد. و تنها صحیحه زراره شامل ما بعد از فراغ از نماز هم می شود ولی اشکال مرحوم حکیم أعمّ بود و می فرمود حتّی اگر در أثناء نماز ملتفت شوی که نماز ظهر را نخواندی و در وقت مختص باشی، نماز باطل است و أخبار عدول شامل آن نمی شود.

##### بررسی اطلاق أخبار عدول نسبت به وقت مختصّ

###### روایت أول

صحیحه حلبی؛ الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الْأُولَى حَتَّى صَلَّى الْعَصْرَ قَالَ فَلْيَجْعَلْ صَلَاتَهُ الَّتِي صَلَّى الْأُولَى ثُمَّ يَسْتَأْنِفُ الْعَصْرَ قَالَ قُلْتُ فَإِنْ نَسِيَ الْأُولَى وَ الْعَصْرَ جَمِيعاً ثُمَّ ذَكَرَ ذَلِكَ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فَقَالَ إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ لَا يَخَافُ فَوْتَ إِحْدَاهُمَا فَلْيُصَلِّ الظُّهْرَ ثُمَّ‌‌لْيُصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ خَافَ أَنْ يَفُوتَهُ فَلْيَبْدَأْ بِالْعَصْرِ وَ لَا يُؤَخِّرْهَا فَيَفُوتَهُ فَيَكُونَ قَدْ فَاتَتَاهُ جَمِيعاً وَ لَكِنْ يُصَلِّي الْعَصْرَ فِيمَا قَدْ بَقِيَ مِنْ وَقْتِهَا ثُمَّ لْيُصَلِّ الْأُولَى بَعْدَ ذَلِكَ عَلَى أَثَرِهَا[[1]](#footnote-1).

البته این روایت شامل بعد از فراغ هم می شود و بعید نیست قدر متیقّن آن بعد از فراغ باشد و با أولویّت شامل أثناء هم می شود هم أولویّت فتوائی دارد و هم این که عرف می گوید وقتی تمام نماز را بدون توجّه خواندی و نیّت نماز ظهر نکردی، به جای نماز ظهر قرار گرفت پس اگر در أثناء نماز متوجّه شوی و نیّت نماز ظهر کنی به طریق أولی صحیح است و به جای نماز ظهر قرار می گیرد.

ما قبول داریم این روایت شامل وقت مختص نمی شود زیرا تعبیر کرد: « رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الْأُولَى حَتَّى صَلَّى الْعَصْرَ» و برای کسی که أول أذان نماز عصر را سهواً بخواند تعبیر می کنند که «نسی الظهرفصلّی العصر». ظاهر روایت این است که مشکل فراموشی نماز ظهر تا نماز عصر امتداد داشت: نسی الظهرحتّی صلّی: یعنی استمرّ نسیانه تا حین اتیان به نماز عصر و عرف از آن می فهمد که وقت مختص تمام شده است. لاأقل این است که إجمال دارد.

بحث در این است که می خواهیم ببینیم اشکال آقای حکیم به قصور اثباتی أخبار عدول نسبت به کسی که نماز عصر را در وقت مختص ظهر سهواً خوانده است، حال در أثناء متوجّه شود یا بعد از فراغ از عمل، وارد است یا نه. که ما نسبت به این روایت بعید نمی دانیم اشکال وارد باشد.

###### روایت دوم

صحیحه حلبی؛ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْماً فِي الْعَصْرِ- فَذَكَرَ وَ هُوَ يُصَلِّي بِهِمْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ صَلَّى الْأُولَى- قَالَ فَلْيَجْعَلْهَا الْأُولَى الَّتِي فَاتَتْهُ- وَ يَسْتَأْنِفُ الْعَصْرَ وَ قَدْ قَضَى الْقَوْمُ صَلَاتَهُمْ.[[2]](#footnote-2)

روشن است که شامل وقت مختص نمی شود زیرا فرض این است که مردم نماز ظهر را خوانده بودند و این امام جماعت نماز ظهر را نخوانده بود و از روی فراموشی نیّت نماز عصر کرد. که حضرت می فرماید نماز عصر مأمومین صحیح است و امام جماعت هم از نماز عصر به نماز ظهر عدول می کند.

و این که برای امام جماعت وقت مختص بیشتر بگیریم و بگوییم 5 دقیقه طول می کشد و برای مأمومین وقت مختص کمتر مثلاً 3 دقیقه، حمل روایت بر این فرض عرفی نیست و ظاهر روایت این است که وقت مختص گذشته است و مردم نماز ظهر را خوانده اند. و معتقدم «أمَّ قَوْماً فِي الْعَصْرِ» به معنای وقت عصر است.

###### روایت سوم

وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع‌ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ صَلَاةً- حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ أُخْرَى- فَقَالَ إِذَا نَسِيَ الصَّلَاةَ أَوْ نَامَ عَنْهَا صَلَّى حِينَ يَذْكُرُهَا- فَإِذَا ذَكَرَهَا وَ هُوَ فِي صَلَاةٍ بَدَأَ بِالَّتِي نَسِيَ- وَ إِنْ ذَكَرَهَا مَعَ إِمَامٍ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ أَتَمَّهَا بِرَكْعَةٍ- ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّى الْعَتَمَةَ بَعْدَهَا- وَ إِنْ كَانَ صَلَّى الْعَتَمَةَ وَحْدَهُ فَصَلَّى مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ- ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ نَسِيَ الْمَغْرِبَ أَتَمَّهَا بِرَكْعَةٍ- فَتَكُونُ صَلَاتُهُ لِلْمَغْرِبِ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ- ثُمَّ يُصَلِّي الْعَتَمَةَ بَعْدَ ذَلِكَ.[[3]](#footnote-3)

**معلّی بن محمّد:** این شخص مورد بحث است و آقای خویی او را توثیق می کند و مرحوم استاد می فرمود من المشاهیر الذی لم یرد فیه قدح است و ما هم از باب کثرت روایت أجلّاء از او، این شخص را قبول داریم.

روایت می گوید: دو رکعت نماز عشاء را خواند بعد یادش آمد نماز مغرب را نخوانده است که به نماز مغرب عدول می کند و بعد از آن نماز عشاء را می خواند.

این که در ابتدا فرمود: «نَسِيَ صَلَاةً- حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ أُخْرَى» مورد روایت دخول وقت نماز دیگر است و وقت مختص را شامل نمی شود.

###### روایت چهارم (صحیحه زراره)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ***: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ- وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ- فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا- ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَالَ- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ إِنْ كُنْتَ‌ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ- وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ- أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ- وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا- وَ قَالَ إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا- وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ- فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ- فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ- وَ إِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى- وَ أَنْتَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ- وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ (فَانْوِهَا الْأُولَى)- ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ- وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ- حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا- فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ- وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ- ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَانْوِهَا الْعَصْرَ (ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ) - ثُمَّ تُسَلِّمُ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ- وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا- وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ- أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ- ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى- أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَانْوِهَا الْعِشَاءَ- ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ- وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً- فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ- ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ- فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا- فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ- وَ إِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ- فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ- ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ- فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ- قَالَ قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا.***[[4]](#footnote-4)

هر چند در صدر «اذا نسیت الظهر حتی صلیت العصر» دارد و اشکالی که به صحیحه حلبی کردیم اینجا هم می آید: که ظاهر آن این است که نماز ظهر را فراموش کردی و تا زمان اتیان به نماز عصر ادامه پیدا کرد، یعنی زمانی بود که خالی بود و می توانستی نماز ظهر را بخوانی ولی دچار نسیان شدی و این نسیان در این زمان مستمرّ بود. و لذا روایت از اتیان نماز عصر در وقت مختص انصراف دارد. ولی تعلیلی که دارد « ***فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ*** » خصوصیت ندارد و شامل وقت مختص هم می شود.

###### تحفّظ بر خصوصیّت حکم در تعمیم تعلیل

**نکته:** بحثی است راجع به «أربع مکان أربع» که آیا می شود از این مورد به سایر موارد عدول کرد: مثلاً فکر می کردم نماز ظهر را نخواندم و نماز ظهر را شروع کردم بعد، وسط نماز یا آخر نماز، یادم آمد نماز ظهر را خوانده ام؛ بحث است آیا نماز ظهر به عنوان نماز عصر قبول می شود یا نه؟

**صاحب عروه تفصیل داده است**: اگر از باب تقیید است یعنی اگر می فهمید نماز ظهر را خوانده است دیگر نماز نمی خواند، مثلاً شبهه صاحب حدائق در ذهنش بوده و فقط می خواسته نماز ظهر را بخواند و اگر نماز ظهر را خوانده بود نمی خواست نماز عصر را بخواند، که در این صورت نماز باطل است. ولی اگر نماز ظهر را خوانده بود هم می خواست نماز عصر بخواند و این نماز چهار رکعتی را در هر صورت می خواند این خطای در تطبیق است و نماز صحیح خواهد بود.

**آقای خویی فرموده است:** در هر دو صورت نماز باطل است زیرا قصد نماز ظهر کرده است و نماز عصر را قصد نکرده است و نماز ظهر و عصر عنوان قصدی اند مثل این که کسی قصد بیع کند ولی اجاره واقع شود. و لذا نماز عصر واقع نمی شود. و این که کسی در أثناء نماز عصر ملتفت می شود نماز ظهر را نخوانده است می تواند به نماز ظهر عدول کند دلیل داریم.

**در این بحث « *فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ* » مطرح می شود که**؛ هر چند روایت عدول لاحق به سابق را گفته است ولی تعلیل عام است و شامل عدول از سابق به لاحق هم می شود.

**جواب دادیم؛** هیچ وقت علت، حکم را عوض نمی‌کند و تنها مورد را از خصوصیت می‌‌اندازد. حکم در اینجا عدول از لاحقه به سابقه است:«فانوها الاولی فانما هی اربع مکان اربع». مثلاً وقتی گفته می شود: «ان جائک زید فأکرمه لأنه عالم» تعلیل این را می رساند که اگر کسی غیر از زید آمد مثلاً عمرو یا بکر آمد و عالم بودند اکرام آن ها هم واجب است ولی این که زید عالم است پس او را شهید کنیم تا عالم شهیدی داشته باشیم تغییر حکم است که از این علّت فهمیده نمی شود. نباید خصوصیت حکم معلل را الغاء کرد.

ما بارها این را عرض کردیم که: «نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فانها غرر» گفتیم فانها غرر، تعلیل است اما تعلیل بیع است یا مبیع؟

اگر می‌‌گفت نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فان بیعها غرر؛ معنایش این است که نهی از بیع نه بخاطر خصوصیت بیع است؛ بخاطر این است که عقد غرری است. اجاره غرری هم همین حکم را دارد.

اما اگر بگوید نهی النبی عن بیع السمک فی الآجام فانها غرر، أي مجهول؛ معنایش این است که دیگر، این سمک در حرمت بیع خصوصیت ندارد. هر مجهولی بیعش حرام است. فرق است که تعلیل برای چی باشد و حکم چی باشد.

اینجا هم همین است؛ فانما هی اربع مکان اربع حکمش فانوها الاولی است نه فانوها الثانیة. بله، این‌که نماز عصر در وقت مشترک بوده یا در وقت مختص، مهم نیست. اما فانوها الاولی مهم است چون حکم است. و هیچ وقت تعلیل منشأ نمی‌شود حکم را عوض کنیم. حکم را حفظ می‌‌کنیم. مورد را برای این حکم از خصوصیت داشتن می‌‌اندازیم. خذ فاغتنم.

خب این فرع اول برای ثمره نزاع بین وقت مختص و وقت مشترک.

### فرع دوم

فرع دوم این است: کسی نماز ظهر را به اعتقاد وسعت وقت خواند. بعد معلوم شد که در وقت مختص عصر بوده است؛ بناء بر قول مشهور که قائل به وقت مختص شده اند، این نماز باطل است، زیرا نماز ظهرش را در ضیق وقت خوانده و این وقت، وقت ظهر نبود؛ وقت عصر بود و لاتعاد شامل آن نمی شود چون به وقت اخلال وارد کرده است. ولی بناء بر قول مخالف مشهور نماز ظهرش صحیح و نماز عصرش قضاء شده است. دقت کنید! تکرار می‌‌کنم. بناء‌ بر قول مخالف مشهور طبق صناعت نماز ظهرش صحیح است. زیرا نماز ظهر را در وقت خواند و لو بر فرض دلیل بیاید بگوید تو باید در ضیق وقت نماز عصر بخوانی. اینجا سهوا نماز عصر نخواند و نماز ظهر خواند. چرا نماز ظهرش باطل باشد، اخلال به وقت که نکرده است. وقت، مشترک است.

حال باید بحث کنیم که بناء بر قول مشهور نماز ظهر ادائا قبول نیست، ‌چون وقت نماز ظهر گذشته است ولی قضائا صحیح است و یا قضائاً هم باطل است؟ این بحثی است که ان شاء الله بعدا مطرح می‌‌کنیم.

### فرع سوم

فرع سوم را هم عرض کنم: اگر کسی مطمئن است به اندازه یک رکعت نماز عصر را در وقت درک می‌‌کند باید نماز ظهر بخواند و لو بعض رکعات نماز عصر خارج وقت واقع می‌‌شود، ‌همین که یک رکعتش داخل وقت واقع می‌‌شود کافی است. و اینجا مشکلی نیست.

ولی در جایی که اطمینان ندارد و خوف تنگی وقت دارد که حتّی یک رکعت از عصر را هم نتواند در داخل وقت بخواند مشهور و غیر مشهور گفته اند که نماز ظهر را ترک می کند و نماز عصر را می خواند. حال اگر بعد از خواندن نماز عصر بفهمد برای نماز ظهر وقت باقی است چون خوف داشت و یقین نداشت که وقت تنگ باشد. در این فرض ظاهر قول مشهور این است که دیگر لازم نیست الآن نماز ظهر خوانده شود زیرا وقت مختص نماز عصر است و نماز ظهر دیگر قضاء شده و می تواند بعداً بخواند.اما بناء بر قول مخالف مشهور ظاهرش این است که وظیفه این است که نماز ظهر را بخواند چون یک رکعت داخل وقت را از نماز ظهر درک می‌‌کند.

این فرع فرع مهمی است. قبل از این‌که این فرع را بحث کنیم نکته ای عرض کنم تا در مورد آن فکر کنید؛

**از طرفی گفته اند:** اگر به اندازه پنج رکعت وقت داری، نماز ظهرت را بخوان، ‌یک رکعت از نماز عصر را قبل از غروب درک کنی کافی است.

**و از طرفی در بحث وضوء گفته‌اند:** اگر وضوء بگیری، نیم ‌رکعت نمازت هم خارج وقت باشد درست نیست، باید بروی تیمم کنی، تیمم بکن تا بتوانی کل رکعات نماز را در وقت درک کنی، ‌حق وضوء گرفتن نداری.

چرا ‌در وجوب وضوء وقت اختیاری نماز را ملاک قرار دادند، گفتند اگر وقت، سعه ندارد، برای این‌که نماز اختیاری را در وقت بخوانی برو تیمم کن، اما در بحث ضیق وقت در نماز ظهر و عصر گفتند معیار، نماز اختیاری عصر در وقت، نیست. معیار این است که یک رکعت از نماز عصر را بخوانی. فرق بین این دو تا فرع چیست؟

این را تامل کنید!‌ ان شاء الله فردا هم توضیح بدهیم هم جواب بدهیم.

1. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 287‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 292‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 291‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 290‌ [↑](#footnote-ref-4)